

بزرگان دین گفته اند: خداوند در معراج محمد کسری را که سزاوار ربوبیت او بود کرد و مصطفی کسری که سزاوار عبودیت خویش بود کرد، عروج محمد سزای بشریت او و نزول الهی سزای الاهیت او و اولا یق ذات صفات او^(۱) عروج محمد و نزول خود هر دو را به شب خواست از بهر آنکه محمد را حبیب خواند و معنی محبت جز موافقت نیست.

معراج به آسمانها، او را از مسجد حرام به مسجد آقصی و از مسجد آقصی به سیدره منتهی و منزل اعلیٰ بُرد، تا احوال قیامت را معاینه بیند، و قواعد شفاعت مُسَهَّد گرداند. روزی که همه گویند: وَاَنْفُسَاهُ، مصطفی که ملکوت آسمانها دیده و آیات کبریٰ و عجابیب غیب بر او نموده شده، نترسد و هیبت و سیاست آن روز در او اثر نکند و دل خود به شفاعت امت دهد.

لطیفه عجیب: آدم پدر آدمیان را فرمود: اِهْبِطْ، فرود آی او محمد را گفت بالا بیا. بر مرکب همت نشین، و تارک اعلار از یر قدم خود نه، از جسمانی به روحانی سفر کن، آن گاه بمانظر کن!

حضرت صادق (ع) فرمود: شب معراج که سید به حضرت رسید، به غایت قربت نزدیکی یافت و از غایت قربت، نهایت هیبت دید تا خداوند تدارک دل او کرد و به غایت کرم و عنایت و نهایت لطف و کرامت او را به خود نزدیک کرد، و به منزل (ثُمَّ دَنَا) رسید و خلوت (أَوْ أَدْنَى) یافت، راز شنیده، شراب محبت چشیده، دیدار حق دیده، و از هر دو جهان ریمیده و بادوست بیاریمیده ارفت آنچه رفت، شنید آنچه شنید، دید آنچه دید، و کس را از ان اسرار خبر نه! و عقول و او هام از در یافت آن دورا رازی در پرده غیرت رفته، بی زحمت اغیار به سمع رسول رسانده است.

رازی است مرا باشب و رازی است عجب! شب دانند و من دانم و من دانم و شب!

تفسیر لفظی

۲- وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْسًا. ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و آنرا راهنای بنی اسرائیل کردیم، که جز من کسی را وکیل مگیرید (و کار آنرا به دیگری نگذارید).

۳- ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْداً شَكُوراً. آنان فرزندان فرزند نوح بودند و ما آنها را با کشتی نوح برداشتیم که ما را بنده سپاس گزار است.

۴- وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّةً ثَلَاثًا وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيراً. در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل حکم کردیم و پیغام دادیم و بند آموختیم و سخن گفتیم که شما در زمین فساد خواهید کرد و برتری خواهید جست و از اطاعت بیرون خواهید رفت!

۵- فَاِذَا اجْتَأَ وَعَدُ أُولَئِمُنَا بِعَمَلِنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَلَسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكُنَّا مَعَهُمْ وَنُفَعُوهُمَ مَا أَزَانُ دَعْوَعُهُ (رسید، بینگیزیم بر شما بندگان از خودمان، دارای زور و سخت تا در سرها و تنگ جاها به جست و جو برانید و این وعده ایست کرده شده) (مقصود خرابی بیت المقدس به دست بخت نصر بابل):

۶- ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُفْرَةَ عَلَيْهِنَّ وَأَمَدَدْنَا لَكُمُ بَأْمَوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَا كُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. آنگاه باز شما را پیروزی دهیم بر آنان و یاری کنیم شما را با مالها و فرزندان و شمارا انبوهی سپاه بیشتر کنیم از آنچه که هست (مقصود طغیان جالوت است که به دست داود کشته شد - یا ممکن است مقصود نجات آنها به دست گورش بزرگ باشد).

۷- إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا نَفْسُكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَاِذَا اجْتَأَ وَعَدُ الْأَخِيرَةَ لِيَسْؤُوا وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُمْتَبَرُوا مَاعَلَمُوا تَنْبِيرًا. اگر نیکوئی کنید، به خود نیکوئی کرده اید و اگر بدی کنید به خودتان بد کرده اید و چون وعده سزای آخرت رسد! تا روی کافران اندوه پیدا کند و تا به مسجد بیت المقدس در آیند همان گونه که اول در آمدند و تا هلاک کنند گردن کشان را چند آنکه توانند.

(۱) اشاره به حدیث: يَنْزِلُ كُلُّ لَيْلَةٍ إِلَىٰ السَّمَاءِ الْأَسْفَلِ اسْتَ

۸- عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَبْرَحَ حَمُكُمُ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا . امید است که خداوند بر شما رحمت کند و بیدخشاید و اگر باز پس گردید ما نیز بر گردیم (و عقوبت کنیم) و مادون خرا زندان کافران ساختیم .
 ۹- إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا . این قرآن راه نمائی می کند راهی را که راست تر است و مؤمنان را بشارت می دهد یعنی کسانی که کارهای پسندیده و نیکو کنند که پاداش آنها مزدی بزرگ خواهد بود .

۱۰- وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا . و آنان که به روز رستاخیز ایمان نیاورند، عذابی دردناک برای آنها ساختیم .

۱۱- وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالْشَّرِّ دُعَاؤَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجْوُولًا . مردم برای خود بدی خواهند در نیک خواستن برای خویش او آدمی شتاب زده است تا باشد .

۱۲- وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوِنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسابِ وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَ فَضْلِنَا هُوَ تَفْصِيلًا . ما شب و روز را دو نشانه قرار دادیم (از قدرت خویش) شب را تاریک و سیاه کردیم و روز را روشن و بینا تا به فضل خداوند خویش در پی تحصیل روزی روید و تا شمار سالها و راست داشتن حسابها را بدانید و ما هر چیزی را از هم باز کرده و گشاده نموده از یک دگر باز کردنی .

تفسیر ادبی و عرفانی

۲- وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى آیه . بسیاری ذکر موسی در قرآن دلیل بر محبت و اکرام خداوند نسبت به اوست چنانکه به موسی فرمود: وَالْقَيِّمَةُ عَلَيْكَ نَحْبَةَ مِثْمَى . یعنی من دوستی خود را بر تو افکندم ، از این سبب خداوند در قرآن: ذکر موسی، میقات او، طور او، وعده او، غربت او، مناجات او، برادر او، خواهر او، مادر او، همراه او، دریای او، فرعون او، ریج او، نواخت او، همه آورده است ! او هیچیک از اوضاع و احوال موسی در قرآن فرنگدار نشده و مؤمنان به شنیدن و خواندن آن شاد می شوند تا بدانی که یاد کرد بسیار، بار درخت دوستی است و نشان راه دوستی !

۴- وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ آیه . حکم زانندیم و کار از غیب بیرون آوردیم تا به خلق بنمائیم که آنها همه ما بودیم و همه ما ایم، در آزل ما بودیم و در آبد ما ایم، نیک و بد به اراده ما است، سود و زیان به تقدیر ما است، کائنات محکوم و مقهور تصور یافت ما است، از آزل تا جاودان، علم ما بر همه روان، و ما را بر همه حکم و فرمان، وجود و عدم خلاق بر درگاه جلال مایکسان، نه در هستی آنان ما را منفعت، و در نیستی آنها ما را مصرت، و نه کمال عزت ما را به طاعت شما حاجت !

۷- إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا تَنْفُسْكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا آیه . اگر خوبی کردید ثواب آن را کسب کرده اید و اگر بدی کردید عذاب آنرا جلب کرده اید . جلال عزت احدیت و کمال جمال صمدیت از آن عزت و بواله تراست که به طاعت مطیعان ، او را خوبی بود یا از معصیت عاصیان او را بدی باشد ، اگر نیک مرد آئی ، خود را سود کنی ! و اگر بد مردی باشی بر خود زیان آری . این آیت اشاره به درجه عامه مؤمنان است در کارهای خودشان و گرنه خواص کارهای خاص دارند چنانکه :
 بایزید گفت : هر کس برای خود کاری کند، برای خدا کاری نکرده ! و هر کس برای خدا کاری کند برای خود کاری نکرده

و خود را ندیده است !

یکی از بزرگان عرفاء گوید: کارکنان درد دنیا چند قسمند . و هر کدام در کار کردن از راه کار خود لذت و نتیجه ای را طالبند ! چنانکه نادان از راه غفلت و کارگزار از راه عادت، و ترسو از راه بیم، و متوکل از راه فراغت و زاهد از راه خلوت و دوست از راه محبت، لذت برند و هیچیک از آنها از راه خدا و برای خدا کار نمی کنند مگر شمار بسیار کمی از آنها !

۸- عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ . آیه . این آیت ، امیدواران را دست آویزی است قوی ، و نواختی نیکو را آن خدائی که به فضل خویش تورا را یگان بنا فرید ، و به نعمت خود پیورید و به لطف خود در عنایت خود بداشت ، و از آفتها و بلاها نگاه داشت ، امید است که سرانجام رحمت کند و کاری که خود در گرفت به فضل خود به سر برد .

۹- إِنْ هَذَا الْقُرْآنُ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ . آیه . قرآن برای رهروان دلیل آشکار و برای جویندگان چراغی روشن است ، همی اهل حق را دل گشاید و بسوی حق راه نماید ، پس اگر جوینده با تقه صبر بود و در نظر او قصور باشد و از عنایت حق دور ، قرآن مر او را سبب ضلالت بود ، و این نه از آن جهت است که در دلیل قصور آید که دلیل همان چراغ هدایت از نور اعظم تابان است لیکن نگرنده قاصر آمده و از دیدار آن محجوب مانده ، همچون روزی که جهان از آن پُر است لیکن نابینا از آن محروم - خورشید نه مچرم از کسی بینا نیست !

تفسیر لفظی

۱۳- وَكُلُّ إِنسَانٍ أَلْمَنَاهُ طَائِرَهُ فِي نَفْسِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا . مقدرات و نتیجه کارهای هر آدمی را در گردن او کردیم که از او چه آید و از کردار او به او چه رسد ؟ و روز رستاخیز نامه ای برای او بیرون خواهیم آورد که در دست او دهند و بر او گشاده آرند (که عمل او چه بوده ؟)

۱۴- اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيسًا . (اورا گویند) نامه خویش بر خوان ، امروز تو بر تو داوری است تمام و حساب گیری شایسته !

۱۵- مَن اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا . هر که به راه راست رود برای خود رود و هر که در گمراهی رود خود را رود و زیان بر خود آرد و هیچ کس بار دیگری را نکشد و ما هیچ کس را تا از پیش رسولی نفرستیم عذاب نکنیم .

۱۶- وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا . و چون خواهیم مردم شهری را هلاک کنیم ، بیشتر آنها را انبوه کنیم و توان دهیم و نعمت بخشیم تا در شهوت و نخوت شوند و عذاب برایشان واجب گردد ، پس آنها را از دیار خود برکنیم و هلاک کنیم (۱) .

۱۷- وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ أُولَٰئِكَ يَدِ نُوحٍ عِبَادَةٍ خَبِيرًا بِصِيرًا . و چه بسیار از گروه جهانداران پس از نوح که ما آنها را هلاک کردیم و خداوند را خود به دیدن گناهان بندگانش بس است (و گواه بخواد) .

۱۸- مَن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلِيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا . هر کس این جهان را خواهد وی جوید ، ما هم در آنچه خواهد و ما اراده کنیم فرشتابیم ، پس از آن او را در آتش دوزخ جای خواهیم داد نکوهیده و رانده شده (۱) .

۱۹- وَمَن أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا وَهُر كَس سَرَايِ بَسِينِ خَوَاهِدِ دَرِ اَنْ رَ ا ه كُ و ش ش ك ن د و ب ه خ د ا و ب ك ت ا ئ و ا و ا م ا ن د ا ش ت ه ب ا ش د ، س ع و ك و ش ش ا ب ن ا ن پ س ن د ب ه و پ ا د ا ش د ا د ه ا س ت (۱) .

۲۰- كُنَّا نُمِدُّهُمُؤَلَاءًا وَهُؤَلَاءُ مِن عَطَائِرِ بُرُكٍّ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا . (ای محمد) ،

(۱) این آیات همه دلیل بر اختیار بندگان در کارها است که هر کس هدایت نمیشود به سود خود او امت و هر که گمراه نمیشود نتیجه عمل خود او است و گناه کسی بر کسی دیگر نخواهند نوشت که در این معنی حافظ گفته :

من اگر نیکم اگر بد تو بر و خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که گشت

از عطای پروردگارت هم به آشنایان وهم به بیگانگان فرامی پیوندیم و عطا و خداوندت از هیچ کس باز گرفته نشده است .
 ۲۱- أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَسْنَا خَيْرَ الْأَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا . بنگر که چگونه بعضی را بر بعضی دیگر فضیلت دادیم و سبزی آن جهانی را درجه های بزرگتر است و در فضیلت برتر است
 ۲۲- لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَكْرُوهًا . با خداوند یکتا ، خدای دیگر مگیر و بخوان تا نکوهیده و فروگذار شده و حسرت زده بمانی و بنشین

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۳- وَكُلِّ انْسَانٍ الزَّمَانَةُ طَائِرَةٌ فَبِي عُنُقِهِ آيَةٌ . هر کس را آنچه سزاوار و شایسته او است در گردن بستند و آن رقم بر وی کشیدند ، یکی را تاج سعادت بر فرق نهاد ، درخت امیدش به برآمده ، شب جدا گشته و فرو شده و روز وصل برآمده . یکی را به حکم شقاوت ، گلم ادبار در سر کشیده ، به تیغ هجران خسته ، و به میخ رد و بسته ، آری ، قسمتی است که در آزل رفته ، نه افزوده ، و نه کاسته ، چه توان کرد ، قاضی اکبر چنین خواسته (۱) بیدچاره آدمی که از آزل خویش خبر ندارد ، از آبد خویش غافل نشیند ، و میان بوده و بودنی ، او را خواب غفلت گیرد ، و آن روز از خواب غفلت بیدار گردد که نامه کردار او به دست وی دهند ، نامه ای که زبان صاحب ، نامه ، قلم و آب دهانش مداد ، اعضا و مصله هایش کاغذ آن ، و سر تا پای آن املا کرده او و فرشتگان و دبیران گواهان بر او یک حرف در آن زیادت و نقصان نیست ! باوی گویند :

۱۴- اقرا کتابک کفی بتفسیرک الیوم علیک حسییآ . آیه . نامه خود بخوان ، و کردار خود بین ، اگر یک حرف از آن منکر شوی همان عضو که آن کردار بر آورفته بر آن گواهی دهد ! چنانکه فرمود : در روز حساب زبان و دست و پا به کارهای بندگان گواهی دهند !

گویند نامه عمل بندگان دو گونه است : یکی نامه کردار و رفتار و رفتار که فرشتگان نوشته اند ، و یکی نامه عفو و رحمت بر بنده که خداوند بر خود نوشته است که چون عنایت ازلی در سر تو گزید ، کرد و کرد و از آن رحمت خود را شمارده از نامه کردار و رفتار او در آثار بیازند : که چون بنده را نامه دادند که در آن نامه عمل بنده در نامه نگرد ، بیند که سطر اول نوشته بتسم الله الرحمن الرحیم ، گویا : خداوند در آن نامه از تو بپرسد که در آن نامه عمل بنده را بر من حکم آن بران ، خداوند گوید : بنده من ، این را شمار کردم و تو را به فضل خود از آن بپرسم ، که من در آن نامه خود را بنده خود را گناه آمرزنده و توبه پذیرنده گفتم .

حساب قیامت : هر کس از دیوان مظالم و حساب قیامت آنکه کی خبر دارد و از معرفت احوال و احوال رستخیز شمه ای داند بخوبی دریابد که هر چه باروزگار او سر و کار داشته کم یا زیاد ، خبر دیا درشت ، فردای قیامت او را از آن پرسند و از وی شمار او را درخواهند ، چنان کسی امروز حجاب غفلت از راه خود بردارد و کردار و گفتار خود را به معیار شریعت راست دارد ، و صدق معاملات از روزگار

(۱) بر خوانندگان خدا شناس پوشیده نما ند که خداوند هر کس را با رعایت استحقاق و به ملاحظه سزاواری و شایستگی او را رهبری می کند نه آنکه هر کس را که خواست بی سبب گمراه میکند . و در لوح ازل همه را چنین مقدر کرده و طبق همین آیات آنچه سزاوار و شایسته عمل هر کس در دنیا است در آنجا به حکم عدالت ثبت شده است و هر چند در آیات قرآن و در احادیث و اخبار بسیار دیده شده که مقدرات آدمی پیش از تولد در لوح ازل ثبت شده و خوش بخت و بد بخت در شکم مادر خوش بخت یا بد بخت است که منظور اثر ذاتی است ! و ظاهرا اینها حکایت از عدم اختیار انسان در کارها دارد لکن چندین آیه و حدیث دیگر در خلال همین تفسیر دیده میشود که روشن می کند و می رساند که آدمی بر حسب نوع ذات و جنس و سرشت خود و بر اثر کارهایی که بمقتضای آن صفات می کند ، خوش بخت یا بد بخت ، سعید یا شقی میشود یا کافر است و این همه در آزل ثابت است و پاداش و کیفر او هم تابع عمل او است !

خود خواهد، پیش از آنکه فردا او را به دیوان داوری حق برند و حرکات و سکنات او را با میزان عدل مقابله و موازنه کنند، و اگر نقصان و خسراتی بود، صد ها هزار زبان شهادت بر صحت و صدق آن شمار دهند که بنده از شرم، گریختن خواهد در حالی که جای گریختن نیست! لطیفه: گویند: پدری روزی پسر را گفت از امروز، هر چه با مردم گوئی و بر زبان خود رانی، نماز شام با من بگویی او کبردار و رفتار خود را به من عرضه کن! پسر با ریج و تکلفی تمام، گفتار او کردار و رفتار یک روز خود را با پدر بگفت. دیگر روز، پدر همین درخواست کرد، پسر گفت: زینهارای پدر، هر چه خواهی از ریج و تکلفت بر من نه، و این یکی از من نخواه! که طاقت آن را ندارم! پدر گفت: ای بیچاره، مرا مقصود آنست که بیدار و هشیار باشی و از موقف حساب و عرض قیامت بترسی! امروز که حساب یک روز را با پدر طاقت نداری، فردا حساب همه عمر را که در راهی فروگذار نکنند چگونه توانی و طاقت آری؟

۲۱- أَنْظُرْ كَيْفَ قَتَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ، آیه. (ای محمد) باشکفت نگر که ما چگونه این مردم را آفریدیم که در صورت با هم مساوی و در معنی مختلف و در حقیقت آدمیت با هم متفاضلند! از آنجا یکسانی در صورت ظاهر است که همه مردم با هم منساویند مانند دنده های شانه! و آنجا که از حیث معنی و حقیقت مختلف و متفاوتند آنکه مردم کانهائی هستند مانند کانهائی زروسیم، کافر هرگز چون مؤمن نبود، که فرمود: مسلمانان هم سان فاجران نیستند، مصلح هرگز بسان مفسد نیست که فرمود: داندگان عمل صالح و کار نیک در زمین، نمی توان آنان را با تباها کاران یکسان داشت (۱).

لطیفه: ندائی هرگز چون ندای مخلص نبود و مخلص چون عارف صادق نبود! اخلاص در عمل، صفت عابدان است و صدق در احوال، صفت عارفان است. عابد در آرزوی بهشت است و حور و قصور و عارف در دریای عیان و مشاهدت غرقه نور! ... وَلَسَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا. آیه. درجات آخرت برتر و تفاضل در آن جهان عظیم تر و بزرگوار تر است. مصطفی فرمود: شما مردمان درجات علیین را مانند ستارگان آسمان که می بینید خواهید دید.

تفسیر لفظی

۲۳- وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُولُ غَنًّا وَعَيْشًا فَكُلْهُمَا مِمَّا آتَاكُمْ وَلَا تُنْفِرُوا مِنْهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. خدای حکم کرد و سفارش اکید نمود که جز او را (که یگانه است) نپرستید و با پدر و مادر نیکوئی کنید، اگر در زندگانی تو یکی شان یا هر دو شان به پیری رسید، بنگر که به ایشان اف (کترین خواری و جسارتی) نگوئی و به آواز بلند با آنها سخن نگوئی! و با ایشان سخنی آزاده و نیکو گوئی.

۲۴- وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا. و با ایشان به فروتنی و فروتری به سزایی، و بگو پروردگارا، آنها را ببخش، چنانکه مرا از کوچکی پرورش دادند.

۲۵- رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِی نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِإِيۤتِنَا عِشًا. پروردگارا، شما دانایان است از آنچه در نفوس شماها است، اگر چنان است که از صالحان باشید او مرتابان و بازگردندگان را آمرزنده است.

۲۶- وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْدُرْتُۢهُۤ اِرًّا. حق خویشاوندان را ز مال خود بده، و همچنین حق درویش و راه گذر را ادا کن، و مال خود را بی هوده تباها مکن و زیاده روی منها.

۲۷- إِنْ الْمُبَدَّرِینَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّیْطَانِ وَكَانَ الشَّیْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. همانا تباها کنندگان مال برادران شیطان هستند، که شیطان نسبت به پروردگار خود کافر نعمت و خدای خویش را ناسپاس است.

(۱) از این آیه نیز استفاد می گردد که تفضیل بعضی بندگان برد دیگری از طرف خداوندی سبب و علت نیست بلکه از تشبیه به معدن زروسیم در حدیث نبوی، بخوبی فهمیده میشود که جنس و ذات پاک و گوهر نفیس، گران بها است و جنس ناپاک و نابرابر خوب، کم بها و کم ارزش است.

۲۸- وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْدِعْنَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوها فَيَقُولُ لَهُمْ قَوْلًا مِّن سُوْرًا . وهرگاه از درویشان و خویشان روگردانی چون نیازمندیهای آنان رفع نتوانی و به امید رحمتی از خداوندی بیوسی (انتظار داری) پس با آنان سخن از وعده گوی که در دل ایشان خوش آید و شاد شوند (نه از نا امیدي).

۲۹- وَلَا تَجْعَلْ لِّدِينِكَ مَعْلُومَةً إِلَّا عِنْتُكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا .

دست خویش را به گردن خود مینداز و دستها را به گزاف و زیاده روی مگشای که نکوهیده شوی و مورد سرزنش قرارگیری ا

۳۰- إِنْ رَّبِّكَ يُبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كُنَّ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا . پروردگاری تو روزی هر کس را که بخواهد می گستراند و بسط می دهد یا فرو می گذارد و تنگ می گرد، که او از حالات بندگان خویش آگاه و بینا است .

۳۱- وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نُرْزِقُهُمْ وَإِنَّا كُمْ إِن قَتَلْتَهُمْ كُنَّ خَطِيئًا كَبِيرًا . فرزندانان از ترس نداری و تنگ دستی مکشید، ما آنها را و شما را روزی رسانیم، کشتن فرزندان گناه بزرگی است .

۳۲- وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كُنَّ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا . پیرامن زنا مگردید که آن زشت است و پندراهی است .

۳۳- وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كُنَّ مَنصُورًا . مکشید کسانی را که خداوند کشتن آنها را حرام کرده مگر به حق و به فرمان خدای ، و هر کس که به بیدادگری کشته شود ، مبارای وارث اوحق قرار دادیم پس نباید در کشتن (کشنده) گزاف گوئی و زیاده روی کنند که وارث او از سوی خدا یاری شده است .

۳۴- وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كُنَّ مَسْئُورًا . اگر مال پدر مرده مگردید مگر از روی درستی و نیکوئی تا به سن رشد برسد و به پیمان خود باز آئید و به عهد خود وفا کنید که شمارا از پیمان خواهند پرسید .

۳۵- وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَيْلْتُمْ وَّزِنُوا بِالْقِسْطِ الَّتِي اسْتَقِيمَ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا . پیمان راست و تمام به پیمانید و با ترازوی درست و راست بسنجید، این کار بهتر و نیکوتر است انجام است .

تفسیر ادبی و عرفانی

۲۳- وَقَضَىٰ رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ . آیه . خداوند حکیم ، کردگار قدیم ، نیکوکار کریم ، در این آیت بندگان را به پرستش خود می فرماید . هر که در میدان عبودیت در صف خدمت بایستاد و قدم بر گسل مراد نهاد و حضرت عزت را کعبه آمال خود ساخت ، خداوند نیز اهل مملکت را به خدمت او بدارد ، و در دو جهان کاری بی وی بسازد ، که مصطفی فرمود : هر که با خدا باشد خدا با او است .

لطیفه : بدانکه سالکان راه عبودیت سه مردند : یکی عابد ، که نفس وی مقهور ترس از کفر است ، دیگری عارف ، که دل او مقهور سطوت قربت است ، سوم دوست خدا ، که جان وی مقهور کشف حقیقت است .

حالات آدمی در پرستش : هر وقت عابد بخواهد بند بجا هدایت از روزگار خود بردارد ، ناگاه در نامه عتاب حق نیگردد و سرفکنده و شرمزده شود ، و به زبانی ندامت عذر خواهد ا و هرگاه عارف بخواهد شادی و بسطت را به حکم قربت ظاهر سازد ، ناگاه سلطان هیبت حق پیدا گردد و در گودال دهشت افتد اگاهی نظاره جلال کند ، از هیبت بگدازد ا و همه حیرت بر حیرت بیند ، گاهی نظاره جمال کند ، از شادی و طرب بنازد و همه نور سوز بیند ، و به زبان حال گوید :

بما طلعت تو شب نبود نیز به گیتی
بما دولت تو غم نبود نیز به عالم
چشمی که تو را دید شد از درد معاف
جانانی که تو را یافت شد از مرگ مسلم

یکی از پیران طریقت گفت: با عارفی بزرگوار در سفری بودم، به منزلی فرود آمدیم، شیری بیامد و نزد ما بخت آمدن از بیم برخاستم و بر درختی شدم و تا بامداد بر شاخ درخت می بودم! اولی عارف بخت و از شیر نهرا سید، روز دیگر به منزل دیگر فرود آمدیم، شب پشه ای براونشست و تا بامداد از آزار پشه می نالید، او را گفتم ای شیخ، دوش از شیر به آن عظمت باک نداشتی و نیندیشیدی! امشب از پشه ای بدین ضعیفی چرا چنین ناله کنی؟ گفت: دوش ما را از خود فرا گرفته بودند و از خود روده ورقم نیستی بر صفات ما کشیده، و از خود بی خود گشته بودم و به حق قائم شده بودم! اولی امشب ما را به ما باز دادند تا پشه ای بدین ضعیفی ما را به ستوه آورد! ... و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا. آیه. خداوند بندگانش را به مراعات حق پدر و مادر امر فرمود: در صورتیکه آدمی از رعایت حق به جنس خود ناتوان و بی قید باشد، چگونه حق خداوند را ادخال خواهد کرد؟

از یکی علماء اسلام از حق پدر و مادر پرسیدند، گفت: صدای خود را بر آنها بلند نکنی! با تلخی و ترش رویی بر آنها ننگری، در زبان و آشکار از تو بی می در دل نداشته باشند، مادام که زنده اند آنرا احترام کنی، و پس از فوت برای آنها طلب آمرزش نما، و نسبت پدر و مادر آنان خدمت گزار باشی، مصطفی فرمود: نیکوترین نیکوئیها آنست که انسان دوستان پدر را دوست بدارد، و پیوسته جویای حال آنان باشد. مصطفی خود هر وقت گوسفندی را ذبح می کرد قسمت عمده آن را برای دوستان خدیجه (همسر خود) پس از فوت اوی فرستاد.

حق پدر و مادر: گفته اند حق پدر و مادر نه چیز است: پنج حق در زندگانی و چهار حق پس از وفات آنها. پنج حق اول: به تمام دل آنها را دوست داشتن، به زبان نیکوئی گفتن، به تن خدمت شایسته کردن، به مال (در صورت نیاز) یاری کردن، فرمان آنها را آنچه رضای خدا باشد بردن. اما دوم که پس از رحلت آنهاست: روح ایشان را خوشنود کردن، از خیرات خویش ایشانرا نصیب کردن، دعا و طلب آمرزش برایشان کردن، و از هر چه روحشان آزرده میشود پرهیز کردن. این است که خداوند در این آیت رعایت حق پدر و مادر را بر فرزندان واجب ساخت و کیفیت آنرا بیان فرمود.

۲۶- وَآتِ ذَاتِ الْقُرْبَىٰ أَحَقَّهُ. آیه. درباره صیله رحیم یا حق خویشان: مصطفی فرمود: هر کس صیله رحیم کند، خداوند او را صیله کند و هر کس از خویشان بیسر دو قطع رحیم کند، خدا از او بیسر د!

خداوند فرموده: من صاحب رحمت هستم و رحیم را از نام خود گرفتم پس هر کس آنرا وصل کند، منم او را وصل می کنم و هر کس قطع کند منم او را قطع می کنم - نیز فرمود: زودترین ثواب طاعتها صیله رحیم است. کسی از پیغمبر پرسید: ای رسول خدا خویشان من از من بریدند، منم از آنان بیسر م؟ فرمود: در این صورت خداوند از همه شماها بیسر د! و تو اگر صیله رحیم بجا آوردی و آنها قطع کردند، خداوند با تو است و پشت و پناه تو.

معروف کرخی گوید: مردی بود اسراف کار و زیاده روی در کارها داشت لیکن پیوسته صیله رحیم می کرد، چون مرد او را خواب دیدم که رایتی از نور در دست دارد و در میان گروهی است که همه جامه از نور دارند و از چهار سمت آنان نور است، و آن آیه را می خوانند، پرسیدم اینان کیانند؟ گفتند: صیله رحیم کنندگان! پرسیدم از کجا به این مقام رسیدی؟ گفت: از صیله رحیم.

تفسیر لفظی

۳۶- وَلَا تَقْنَفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُورًا. پس بی هرگانی که ندانی بنادانی مرو، و آنچه ندانی مگوی که از شنیدن و دیدن و اندیشیدن به دل، شمارخواهند پرسید.

۳۷- وَلَا تَمْسَسْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا. در زمین به ناز و شادمانی و (کشی) مرو، که نه در زمین فروری و پیمائی و بشکافی (اگر فروری کنی) و نه با کوه همسر خواهی شد (اگر گردن کشی و تکبر کنی).

۳۸- كُلُّ ذَالِكِ كَلِمَانٍ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا . آن هاهمه نزد خداوند توبد و ناپسند است .
 ۳۹- ذَالِكِ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَلْحُورًا . آن هاهمه از آن پیغام است که خدا از دانش راست به توداد، و با خدا ای یگانا نه دیگری را بخوان که تورا در آتش افکنند و نکوهیده و رانده شوی .

۴۰- أَفَأَصْفِيكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثَانًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا .
 آیا خداوند شما را به پسرها برگزید و برای خود از فرشتگان دختر اختیار کرد؟ شما گفتار و سخنی بزرگ می گویند!
 ۴۱- وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيُبَدَّ كُرُوءًا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نِفُورًا . ما در این قرآن از هرگونه سخن بیان کردیم تا دریا بند و پند پذیرند، لیکن بر آنها می افزاید جز می بیند او نفرت داشتن ا

۴۲- قُلْ لَوْ كَان مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذْ آلَا بُتَّغُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا . بگو به آنها ای محمد! اگر با خدای یکتا، خدایان دیگر بود چنانکه می گویند، در آن صورت آن خدایان به عرش خداوند راه یافتی ا
 ۴۳- سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ عَدُوًّا كَبِيرًا . پاک است خداوند و برتر است از آنچه می گویند برتری بزرگ .
 ۴۴- تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَتَفَهَمُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَكِيمًا غَفُورًا . آسمانها و زمین و هر که در آنهاست خدا را با کی می ستایند، و هیچ چیز نیست در جهان مگر آنکه خدا را با کی می ستاید لکن شما آنرا در نمی یابید که خداوند فرا گذارنده دشمنان است به بردباری و پوشنده آشنایان است به آمرزگاری .

۴۵- وَإِذْ أَقْرَأ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِيَاخِرَةَ حِجَابًا مَسْتُورًا .
 هرگاه که قرآن خوانی، ما میان تو و آنان که به روز ستا خیز نه خواهند گروید، پرده ای پوشیده گذاریم .
 ۴۶- وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذْ كَرَّرْتُ رَبُّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحِيدَةً وَكَلَّمَا عَلَى آذَانِهِمْ نَفُورًا . و ما بر دهنای آنان پرده و غلاف افکنند تا آنچه می خوانی در نیابند و در گوشهاشان گرانے و سنگینی نهادیم (تا آنچه می خوانی نشنوند) و هرگاه که خدا را در قرآن به یگانگی یاد کنی، آنان می روند و باز پس میروند ا

۴۷- نَبِّحْنُ أَعْلَمَ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا آرَجًا مَسْحُورًا . ما می دانیم که اینها چه می نویسند آنگاه که بتوی نویسند، (و نیز خدا انا است) بر آنچه با هم رازی کنند، هنگامیکه کافران می گویند: شما پیروی نمی کنید مگر مرد جادوگری را ا

۴۸- أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا الْكَيْدَ إِلَّا مِثَالَ قَطْمَلٍ أَوْ فُلًا يَسْتَصْبِعُونَ سَبِيلًا . درنگر که تورا چندان مشاها زدند و در تو گمراه شدند (و بی سامان ماندند) و نمی توانند فرار اهی بسامان روند ا
 ۴۹- وَقَالُوا آئِنَّا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتِنَا آئِنَّا لَمَسْبُوعُونَ خَلَقْنَا جَدِيدًا . و گفتند: وقتی که ما استخوان و خاکی خرد شده ایم، آیا ما به آفرینش نوبرانگیخته میشویم؟

تفسیر ادبی و عرفانی

۳۶- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ . آیه . در این آیت هم موعظت است هم تذکیرت هم تهدید ، موعظت بلیغ و تذکیرت به سزا و تهدید تمام . پند میدهد تا بنده از کار دین غافل نماند، و یاد میدهد تا بنده حق را فراموش نکند، بیم می نماید تا بنده دلیر نشود . می گوید: ای آدمی ، زبان گوشدار، آنچه ندانے مگویی ، گوش را بشنیدن باطل مشغول مکن ، دیده را به دیدن

ناشایست نگران مکن ا به دل هشیار باش ، اندیشه فاسد مکن که فرد اتورا از همه آنها خواهند پرسید ، زبان را شاه راه یابد حق گردان تارستگار شوی ، گوش را بر شنیدن سخن حق دار تا از رحمت بهره یابی ، چشم را بر نظری عبرت گمار تا بر خوردار باشی ، دل را با مهر او پرداز و غیر او را فرو گذار تا به پیروزیرسی .

بوسه مید خمر از گوید : هر آن دل که معرفت در او جای گرفت ، اندیشه هر دو سرای از او برخاست ، چون به هر چه نگرند حق را ببیند ، و هر چه شنود از حق شنود ، یک با رگی دل با حق پردازد و به میهر وی نازد . از اینجا خدمت در خلوت و مکاشفت حقیقت و غرق شدن در مواصلت آغاز کند ، خدمت در خلوت از آدمیان نهان ، مکاشفت حقیقت از فرشتگان نهان ، استغراق در مواصلت از خویشین نهان

۳۷- وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا . آیه . تکبر و تبعیض و تفرعن از نتایج غفلت است و دوام غفلت از مشاهده حق باز ماندن ا مصطفی گفت : اگر تجلی جلال حق به دل بنده پیوسته بودی ، بنده هم بدرگاه عزت کمر خدمت بسته بودی ، و چون تجلی سلطان جلال بر سر بنده طالع گردد ، زبان در ذکر آید و دل در فکر ، در آن حال ، حکم هیبت غالب گردد و آراسته خدمت بندگی گشته و از تکبر و تجبر باز رهد .

۴۱- وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا . آیه . مادر قرآن دلیل پشت دلیل ، برهان در پی برهان آوردیم ، و روشن ساختیم ، و هر چه بیشتر آشکار ساختیم انکار و سرکشی کافران فزونی یافت ، زیرا چه در یابد آنکه بصارت حقیقت ندارد ؟ چه بیند آن کس که دیده بینا ندارد ؟ چه شنود کسی که گوش شنو ندارد ؟ چگونه رود آن کس که زنجیر ها به پای دارد ؟

۴۴- تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ . آیه . خدا را به پاکی بستود و ستایش کرد آنچه در آسمانها و زمین است و به بی عیبی او گواهی داد ، و به کمال وی ثنا گفت و هیچ موجودی در جهان نیست مگر آنکه خدای راستایش کند لیکن شما ستایش آنها را در نیابید و شما نتوانید تسبیح آب و باد و خاک و آتش را در یابید ، و زش باد ، شش آب ، شعله آتش ، و افتادگی خاک همه ستایش آنها است . خداوند آنها را همه میداند و میبیند که خود میراند و خود می داند ا خود می کند ، خود می بندد و خود می گشاید ا همه چیز ساخته ، همه کار پرداخته ، خیر دهد ا در کار او کند ، و همه ا در فهم او در بند و عقلها از در یافت او دورا

بیحیی معاذ گوید : خدایا ، لطف و انس و فضل خود در باغ دل دوستان رویانیدی تا بدان لطیفه ها ، به راز معرفت و اداء وظیفت رسیدند ، و اگر بادشمنان و بیگانگان همین کردی منکر تو نبودندی و خانه کفر و خانه اسلام یکسان بودی .
قومی به فلک رسیده قومی به مغاک فریاد ز نهیدند تو با مشتی خاک

ابوسعید گوید : هر که بار از بستان عنایت برگردد به میدان ولایت فرو نهد ، و هر کرا چاشت آشنائی دادند امید است که به شام آمرزش رسد . شمه ای از آن نسیم نصیب خاک آدم آمد ، تا ادبار به اقبال بدل گشت و هجران به وصال انجامید ، خاکی که معدن تاریکی ها بود منبع روشنی رازها و محل پیدایش آفتابها و نمایش ماه های شه و گردید .

۴۵- وَإِذْ أَقْرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ حُجُوبًا . آیه . هر کس به پناه حق رود در آن پناه گاه مصون است و هر کس به کتاب حق پناه برود در باره وی استوار است ولی هر کس به عمل خود یا به نفس خود یا به جنس خود پناه برود ، تباهی او در نا ائمنی او است ا

ع

تفسیر لفظی

۵۰- قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا . آیه . بگو (ای محمد) شما سنگ یا آهن و پولاد .

۵۱- أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِينِي صَادُورِكُمْ فَتَسْمِعُونَ . مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا. یا شما آفریده ای گردید که زنده کردن آنها در لهای شما بزرگ نماید اسپس گویند کی ما را دیگر باز زنده کند؟ بگو همان کس که شمارا در آغاز آفرید، پس آنها سرها را بسوی تو به جنبش آورد و گویند: آن زمان کی است؟ بگو چه بسا که آن روز بشما نزدیک است.

۵۲- يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَنْظُرُونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا. آن روز که خداوند شماها را می خواند و شما او را به ستایش می کنید و گمان کنید که در خاک جز اندکی وزمان کمی پیش نبودید!

۵۳- وَقِيلَ لِعِبَادِيَ يَتْلُوا الْكِتَابَ أَلَمْ نَجْعَلْ لَكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّئَلَّا تُكْفَرَ بِاللَّهِ إِنْ كُنْتَ إِذًا تَدِينُ. و قیل لعبادی یتلوا الکتب الی حبیبکم. او این یثشا یعد بکم و ما آرسلناک علیهم و کبیرا. خداوند به حال شما و سزای شما دانا است اگر نخواهد شما را ببخشد و اگر نخواهد شما را کفر دهد و ما تو را بر آنها دل دار و کار توان نفرستادیم.

۵۴- رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَاءُ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَاءُ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا. خداوند به حال شما و سزای شما دانا است اگر نخواهد شما را ببخشد و اگر نخواهد شما را کفر دهد و ما تو را بر آنها دل دار و کار توان نفرستادیم.

۵۵- وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا. خدای به کسانیکه در آسمانها و زمین هستند دانا است و ما برخی پیمبران را بر برخی دیگر فرونی دادیم و از جمله به داود زبور دادیم.

۵۶- قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا. بگو به آنها (ای محمد) آنها را که پندارید خدای شما هستند بخوانید، تا به بینند که توانا بر دفع زیان از شما نیستند و گذرند از شما دور کردن نتوانند و نه نعمت و سود را از شما برگردانند!

۵۷- أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخْلَفُونَ عَدَاةً إِنَّا عَدَابُ رَبِّكَ كَانَ مُحَدِّثًا. آنان خود کسانی هستند که خدا را می خوانند و بسوی او نزدیک می جویند تا کدام یک از آنها به خدا نزدیکتر باشند و امید بخشایش خدا و ترس از عذاب او دارند، چه که عذاب خداوند سزاوار برهیز و دوری است.

۵۸- وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا. هیچ آبادی و شهری نیست، مگر آنکه ما آنرا پیش از روز رستاخیز تباه می کنیم یا مردم آنرا به عذاب سخت گرفتاری نمائیم، که این امر در علم خداوند و در کتاب (لوح محفوظ) نوشته شده است که هر ساختمانی را خرابی و هر زندگی را مرگی در پی است.

۵۹- وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَآتَيْنَا مُودَةَ النَّاقَةَ مَبْصُرَةً فَلَظَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا. هیچ چیز ما را باز نداشت که نشانه هائی که دشمنان از ما توسط پیمبران خواستند بفرستیم، مگر آنکه پیشینیان آنرا دروغ دانستند و ما شتر ماده را برای قوم ثمود (از سنگ) در آوردیم و به آنها آشکارا و روشن دادیم (که همه چشمها دیدند) پس آنان بر آن حیوان ستم کردند و ما نشانها و آیتها را جز برای بیم دادن نمی فرستیم.

۶۰- وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي آرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الَّتِي كَانَتْ فِي الثُّغُرِ أَنْ وَنَخَوْهُمْ فَمَا يُسْرِدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا. و اینکه به تویی گوئیم (ای محمد) که خدای به همه مردم احاطه دارد و هر که را خواهد می تاود، و دیداری که به تو نمودیم (در شب معراج) همه آنها نیستند جز آزمایشی برای مردمان و هم چنین آن درخت نفریده و نکوهیده (درخت زقوم) که در قرآن ذکر کردیم و آنرا می ترسانیم، (همه اینها) آنان را نمی افزاید مگر سرکشی و کزاف گوئی و کزاف کاری بزرگ!

۶۱- وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ مَا أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْت طِينًا

و چون فرشتگان را گفتیم آدم را سجده کنند، پس همگی سجده کردند جز ابلیس که گفت: آیا من کسی را که از خاک آفریدی سجده کنم؟

۶۲- قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا خُذْتَنِي كَنُزُوتِهِ

إِلَّا قَلِيلًا . ابلیس گفت: (خداوند!) بین، این است که بر من برگزیدی! اگر مرا تا روز رستاخیز باز داری (مهلت دهی) ذریعه

ونسل آدم را از بیخ و بن برکنم، جز اندکی از آنها!

۶۳- قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَتَوْفُورًا . خداوند فرمود: برو

ای شیطان، پس هر کس از فرزندان آدم که از تو پیروی کند پاداشش کار شهادت و زخ است پاداشی تمام!

۶۴- وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعْت مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْبِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ

فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدِّهِمْ وَمَا يَعْزُبُ عَنْهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا الْغُرُورًا . (ای شیطان) هر کس از فرزندان آدم را که بتوانی

به صدای خود بخوان و بفریب و برایشان سواران و پیادگان خود را برانگیز و با ایشان در دارائی و فرزندان بازاری کن! او به آنها وعده

زندگانی و عمر دراز ده! که دیو به مردم جز فریب و گول و اغواء وعده ندهد!

۶۵- إِنَّ عِبَادِي لَتَنسُو لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانَ وَكُنِي أَيْرَبًا لَكِمْ وَكَيْلًا . تو را بر بندگان من دست رسی

نیست و خداوند نگاهدارنده و باز پذیرنده آنان است!

۶۶- رَبُّكُمْ الَّذِي يُنَزِّجُ فِي الْفُلِكِ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا .

خداوند شماست که کشتی را به نری در دریا میراند تا شما از مزایای آن بهره مند شوید و روزی خود را از آن جویید، که او به شما مهربان است.

۶۷- وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهًا فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا . و چون بشما در دریا گزند و بیومی رسد، هر که را به خدائی می خوانند بگویم میشود جز خدای یگانه و یکتا،

و همینکه شما را به خشکی رسانید و ره ساخت از سپاس او روی گردان می شوید! که آدمی همیشه ناسپاس است.

۶۸- أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكَيْلًا

آیا شما مشرکان ایمن هستید که شما را از سوئی در زمین فرو برد یا بر شما سنگ باران فرستد؟ پس از آن برای خود کار ساز و یاری نیابید!

۶۹- آمَأَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَ كُمْ فِيهِ تِلَاةٌ أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا

كُفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا يَه تَبِيعًا . آیا ایمن هستید که خداوند دوباره شما را به دریا برسد؟ و باد کشتی شکن بر شما

فرستد تا شما را در دریا غرق و هلاک کند؟ آنگاه شما کسی را بر ما به داوری و کین خواهی نخواهید یافت!

تفسیر ادبی و عرفانی

۵۰- قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا . آیه . خداوند صاحب جلال، قادر بر کمال، ایمن از زوال، در ذات وصفات

معال، در این آیت بندگان را خیر میدهد که من مرده را به کمال قدرت خویش زنده گردانم، چنانکه در نشئه اول نبود آن را بیافریدم

و از آغاز نو ساختم، در نشئه دیگر نیز باز آفرینم چنانکه به اول آفریدم. من همانم که بودم، قدرت همان قدرت، ذات همان ذات است

نه توصفتم نه تغییر پذیر، خالق و حکیم و قدیر.

۵۱- قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ . آیه . مردی بے ایمان، استخوان پوسیده ای برداشت و گفت این استخوان

دوباره زنده میشود او کی آنرا زنده میکند؟ این آیت پاسخ می دهد: همان کس که اول شما را آفریده! اما اهل فهم و ذوق می گویند

در این آیت سیری است که اشاره به احیاء دهلی اهل غفلت به نور مکاشفت است و احیاء جانهای اهل هوی و شهوت به نسیم

مشاهدت و روح مواصلت است که روح را به روح ایمان فتوح دهد، چه اگر همه جانهای عالمیان بتودهند، چون روح فتوح ایمان نداری مرده ای و اگر هزار سال تو را در خاک نهند چون گل توحید در باغ روح تورسته است، سر همه زندگانی تویی و نشان این حال آنست که بنده از ورطه فقرت و سستی برخیزد و در نجات و رستگاری خویش کوشد و نعم باقی را به سرای فانی نفرودد و به زبان حال گوید:

تاسی از دارالغروری، ساختی دارالسرور
تاسی از دارالقراری، ساختی دارالقرار

۵۲- یَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ آیه. مؤمنان که سعیدان ملت و امینان درگاه عزتند، چون آن ندای کرامت به گوش آنان رسد و نسیم سعادت به بوستان جان ایشان وزد، به حمد و سپاس جواب دهند، چنانکه شیخ جنید گفت: حمد به سزا و ستایش نیک و خدای را، که ما را خواند و به ندای کرامت ما را نواخت.

۵۳- وَقِيلَ لِعِبَادِيَ يٰقَوْمُ لَوْ اَلَّيْتُمْ هِيَ اَحْسَنُ آیه. (ای محمد) بندگان مرا گوی تا از سخنان آنرا گویند که نیکوتر است و راست تر و پسندیده تر، و آن سخنان، ذکر و ثنای خدا و یاد کردن به زبان و یادداشت کردن در دل و جان است! پیر طریقت گفت: ای گشاینده زبان مناجات گویان، و انس افزای خلوتهای ذاکران، و حاضر نغمسهای رازداران، جز از یاد کرد تو ما راه نیست و جز از یادداشت تو ما را زانته! و جز از توبه تو دلیل و رهنا نیست. خدایا، در حاجت کسی نظر کن که او تو را یک حاجت پیش نیست.

لطیفه: نیکوتر سخنی که مرد گنه کار گوید آنست که به گناه خود اقرار دهد و به جرم خود اعتراف کند، تا خدا او را توفیق توبه کرامت فرماید و کار توبت بر او تمام کند، و گناهش را بیا مرزد که خود چنین وعده داده. و نیکوترین سخنی که مرد عارف گوید آنست که به عجز و ناتوانی خود از شناسائی حق اقرار کند و اندک هیچ کس خدا را به حقیقت حق او و به حدود عزت او و بسزای جلال و بزرگی او، او را شناخته و شناسد!

بوعلی دقاق گفت: خدایا، آن کس که تو را شناخت نشناخت، پس چون باشد حال آن کس که تو را نشناخت! دو عارف بزرگ در شناسائی خداوند با هم اختلاف داشتند یکی گفت توان او را شناخت و دیگری گفت نتوان او را شناخت، قضیه به شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری رسید، فرمود: هر دو راست گفتند! او که گفت نتوان شناخت، آن معرفت حقیقت حق است که هیچ کس به آن نرسد مگر خود او که خود را به حقیقت داند. و آنکه گفت توان شناخت، شناخت عام است که جز او خدا نیست و شریک و انباز ندارد. پس شناسائی حق برد و گونه است: یکی معرفت حق و دیگری معرفت حقیقت حق. معرفت حق، شناختن یگانگی و یکتائی او است که بندگان از نام و صفات او را می شناسند. ولی معرفت حقیقت حق، بندگان را طاقت آن نیست و حدود عظمت و جلال و کیفیت او را کسی بدان راه نته و قابل ادراک نیست، که: لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ.

۵۵- وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ آیه. خداوند، پیمبران را یکی صفوت داد، و یکی خلقت و یکی مکالمت و یکی معراج و شفاعت، آنگاه آنها را در آن صفات بر یک دگر فرونی داد و همه پیمبران را بر عالمیان افزونی داد و رسولان را بر پیامبران برتری داد و اولوالعزم را بر رسولان افزونی داد، و نهایت همه مقامات پیمبران، بدایت مقام مصطفی است و نهایت مقامهای همه آنها پیدا است لیکن نهایت مقام مصطفی پیدا نیست.

لطیفه: محمد مصطفی آفتابی بود مشرقش مکه و مغربش مدینه و کسوفش در غار، لیکن کسوفی که هزاران و دایع و لطایف بر پیشانی مجید و عظمت او نقش بست و بر آستین عهد او ترازا اعزاز بود که فرستاده حق بود، و بر در سر پرده اورایت ولایت بود که بر مشرکین پیر و زشد و فریش رسالت او را از خاور جهان تا باختر بیفکند و بساط پیغمبری او از قاف تا قاف بگشرد، و سر بر سر او از عرض برتر نهاد.

۵۷- يَرْجُونَ رَحْمَةً وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ. آیه. این آیت به همان گونه است که فرمود: يَدْخُلُونَ نَارَ عَذَابٍ وَرَهْبًا که خداوند را به امید و بیم می خوانند، امید به رحمت و بیم از عقوبت و رغبت به بخشش و عفو و رهبت به عذاب و کيفر، لیکن باید دانست که امید و بیم صفت مبتدیان و رغبت و رهبت مقام متبیین است، بیم همان ترسی است که همه مسلمانان را از گناه بازدارد و رهبت آن ترسی است که زاهدان را عیش و خوشی بسیر دوازده جهان و جهانیان جدا کند، اینان همه نفس خویش غرامت بینند و همه سخن خویش شکایت او همه کردار خود جنایت دانند!

لطیفه: مؤمن در خوف ورجا و زاهد در رهبت و رغبت باید معتدل و میانه رو باشند تا در موازنه مساوی گردند، مؤمن در دنیا امید به عاقبت و نعمت میدارد و از بلاها و فتنه های ترسند که امید رحمت و بیم عقوبت دارد ولی عارف دل در مواصلا و قرب حق بسته و از عذاب همه گانی می ترسد (۱).

تفسیر لفظی

۷۰- وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَا لَهُمُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقًا لَهُمْ مِمَّنْ الطَّيِّبَاتِ وَقَضَلْنَا لَهُمْ عَلَيَّ كَثِيرًا مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً. ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در دشت و در دریا برداشتیم و از پاکها و خوشیهای روزگار به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریدگان ما برتری دادیم.

۷۱- يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنثَىٰ بِمَا مَالِهِنَّ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابًا بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلاً. روزی که ماهمه مردم را با پیشوایشان می خوانیم در آن روز هر کس نامه اعمالش در دست راست باشد آنان نامه خویش را می خوانند و مزد ایشان بقدر فنیلی (نخ یا ریک) کم نخواهد شد.

۷۲- وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهِيَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلاً. و هر کس در این جهان از دیدن حق نایبناست، او در آخرت هم نایبنا و گمراه تر است.

۷۳- وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلاً. و اگر نزدیک شدن می خواستندی که تو را برگردانند از آنچه از پیغام بر تو فرستادیم، تا تو بر ما افترا بندی و بر ما آن گونه که ما نگفتم و در آن صورت تو را دوست خویش خوانند!

۷۴- وَلَوْ لَا أَنْ نُبَيِّنَنَّكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرُكِنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلاً. و اگر نه آنکه ما تو را بر جای بنداشتمی ا نزدیک بود بسوی آنان اندکی مایل شوی!

۷۵- إِذَا دَخَلْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا. آنگاه ما به تو دو برابر عذاب این جهانی و آن جهانی می چسانیدیم و آنگاه تو بر ما یاری نمی یافتی.

۷۶- وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْتِرُوا وَنَكَرْتُمْ مِنَ الْأَرْضِ لِيُسْخَرْنَ جُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلالَ فَكِّكَ إِلَّا قَلِيلاً. و اگر بهودان و مشرکان خواستند که تو را از زمین مگه بیرون کنند (به نام اینکه شام جای همه پیام بران است) در آن صورت هم جز اندکی، همه آنها با تو خلاف کنند.

۷۷- سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلاً. این سنت و نهاد خداوند در کار پیغمبران است که پیش از تو بودند و تو نتوانی سنت ما را از جای بگردانی!

(۱) ترس از خداوند به سبب ارتکاب گناه و ترس از کيفر است و امید به عفو به علت سبقت رحمت حق بر غضب او است، پس ترس مطلق از خداوند سبب ترس عقید به ارتکاب گناه است ولی امید، تمیدی ندارد چون خداوند ارحم الراحمین است و رحمت او سابق بر غضب او است!

۷۸- أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْ آتِ الْفَجْرَ إِنْ قُرْ آتِ الْفَجْرَ كَانَ مَشْهُودًا.
(ای محمد) هنگام برگشتن آفتاب تا تاریکی شب نماز بپای دار و در بامداد هم نماز را بپای دار که نماز و قرآن بامداد نزد فرشتگان که روز و شب در آنجا حاضرند مشهود است.

تفسیر ادبی و عرفانی

۷۰- وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ آيَهُ. خداوند، تهنیتی بزرگوار و تشریفی تمام و کرامتی بزرگ بر فرزند آدم کرد که در بندگی کار با ایشان پیمان بست و به صفت لطف خود آنان را مورد خطاب قرار داد و با ایشان پیمان دوستی بست و خلعت تمام داد و آنان را به دانش و خرد و هوش و سخن و فرهنگ بسیار است، و ظاهر را به توفیق مجاهدت و باطن را به تحقیق مشاهدت آراست و معرفت از ایشان دریغ نداشت و در رحمت و کرامت خویش برایشان گشود، و آنان را بر بساط مناجات بداشت تا هرگاه که بخورند و بخوانند و از او بخورند و با او رازگویند.

لطیفه: از همان تکریم خداوندی است که پیش از سؤال، ایشان را کرامت داد، و پیش از استغفار آنان را بیمارزید و باز آنان تکریم است که در میان همه آفریدگان، ایشان را به مهر و محبت مخصوص گردانید، و آنچه به فرشتگان نداد ایشان را داد، و آنچه با کرب و بیان و روحانیان نگفت با ایشان گفت!

پیر طریقت گفت: خدایا، معنی دعوی صادقانی، فروزنده نفسهای دوستانی، آرام دل غریبانی، چون در میان جان حاضری، از بی دلی می گویم که بجائی، زندگانی جانی و آئین زبانی، به خود از خود ترجمانی، به حق تو بر تو که ما را در سایه غرور نشانی و به وصال خود رسانی.

اینکه تکریم همه بنی آدم کرد و مقید به ایمان و عبادت نفرمود و از این سبب است که کرامت لطف خود را با بندگان در سایه اعمال و اجتهاد و ایمان آنان نه بست، تا دانسته شود که نوازش خداوندی بی علت است و تکریم او بی عوض! به خواست خود نوازند نه بطاعت بندگان! به فضل خود عطا دهند نه به جهد ایشان، بنده که کرامت حق یافت نه از آن جهت بود که طاعت داشت، بلکه طاعت از آن داشت که کرامت حق یافت! و نه دعای بنده، حق را بر اجابت داشت، بلکه اجابت حق بنده را برد عادت داشت، و بنده که حق را یافت نه از طلب یافت بلکه طلب از یافتن یافت.

... وَحَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ آيَهُ. مرکب عوام دردشت و دریای دیگر است و مرکب خواص دیگر در مرکب عوام دوست و دشمن و خودی و بیگانگی همه در آن یکسانند! لیکن مرکب خواص، از سلیمان باد است و از مصطفی معراج! و از دوستان و نزدیکان در آخرت، رحمت الاهی است.

... وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ آيَهُ. روزی پاك بندگان را راست که به دل از خدا عاقل نباشند و آن روزی است که بی خواستن بندگان، به آن میرسند.

... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا آيَهُ. خداوند عادل، دانایان را بر نادانان برتری داد و اولیاء حق را به معرفت او بر دیگر بندگان فرونی بخشید.

۷۱- يَوْمَ تَذُوقُوا كُلَّ اٰنَابِسِ اِيْمَانِهِمْ آيَهُ. این آیت بشارتی بزرگ و تهنیتی تمام است که خداوند امت محمد را با پیغمبر خویش بازخواند، پیغمبری که خالقش عظیم و در جنتش رفیع و امتش را شفیع خواهد بود و اگر آنها را به کتاب خوانند، کتاب آنها قرآن کریم است و نور مبین و از خدا ای کریم به رسول کریم است و مؤمنان را تذکیرت و دوستان را تبصیرت است.
مصطفی فرمود: چون روز رستاخیز شود همه امت اسلام با پیشوایان خود گردیم آیند و با هم به بهشت روند در آن روز همه

طبقات مسلمانان که اهل ایمان و معرفتند و امر به معروف و نهی از منکر کرده و اهل جود و بخشش و خوش خلقی هستند با پیشوایان خود خواهند بود.

بعدا از پیغمبران و فرستادگان خدا، مهینه جهانیان و گزیده عالمان، اصحاب پیغمبرند که اختران آسمان ملت و مهتران محفل دولتند، سینه هایشان به معرفت افروخته، راه راست رفته و بار امانت به داعی حق سپرده، ایشانند امامهای دین و قبله اقتدای اهل یقین!

۷۸- اَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ . آیه نماز به بدن در وقتهای معین است ولی نماز به دل و سیر همیشه است. چه منتظران نماز پیوسته در نمازند، و نماز باب روزی است و وقوف در محل مناجات و اعتکاف دل در مشاهده مقدرات و آگاهی بر بساط نجوی و راز و نیاز با خدای بی نیاز است و اینکه میان وقتهای نماز، فاصله ها است از آن سبب است که بندگان پیوسته در مقام برگشت بسوی او توجه به درگاه او باشند.

تفسیر لفظی ﴿﴾

۷۹- وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا . به شب برخیز (ای محمد) و نماز گزار، این افزونی است برای تو، امید که خدا او را تورا به ایستادن گاهی پسندیده بر پای دارد، که پیشینیان و پسینیان، تورا در آن کار (نماز نافلة) بستانند.

۸۰- وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ أَمْرِيْ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا . بگو: خداوند من، در آور مرا در آوردی راستی و نیکویی و بیرون بر ما بیرون بردی راستی و نیکویی، و از نزدیکی خود مرا دست رسی و نشانی ده و نیروی ده که مرا یاری کند.

۸۱- وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا . بگو (ای محمد) که راستی و درستی آمد و کفری و نادرستی نابود شد، که کفری و ناپاکی و نادرستی نابود شدنی است.

۸۲- وَتَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا . ما فرو می فرستیم از قرآن چیزی که در آن درمان درد و آسانی و بخشایش برای مؤمنان است و کافران را افزاید مگر زیان کاری.

۸۳- وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَىٰ بِنِعْمَتِنَا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا . چون بر آدمی نیکویی کنیم و نعمت دهیم (از فرمان بردن) روی گرداند و پهلوئی خویش در کشد و سرکشی کند و چون به او بدی رسد نومید نشیند.

۸۴- قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا . بگو، هر کس کاری کند بر سزاواری و شایستگی خویش کند، پس خداوند دانا است به اینکه چه کسی سزاوار راه راست است!

۸۵- وَيَسْأَلُوكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا . از تو از روح می پرسند که چیست؟ بگو روح از امر خداوند من است و شما را از دانش ندادند مگر اندکی!

۸۶- وَلَوْ أَنَّ شِئْنَا لَسَدَّ هَبْنِ بِآلِدِيْ أَوْ حِينَا لِئَكْتُبَنَّ لَكَ بِهٖ عَلَيْنَا وَكَيْلًا . اگر بخواهیم (می توانیم) آنچه به تو پیغام فرستادیم (از زمین بسیریم)، آنگاه تو بر ما نگاه دارنده ای نیایی و کار سازی برای خود نخواهی یافت!

۸۷- إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَثِيْرًا . مگر بخشایش از سوی خداوند که فضل او بر تو بزرگ است.

۸۸- قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذِهِ الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرٌ . بگو (ای محمد به مشرکان) اگر آدمیان و پریان گرد هم آیند که مانند قرآن آورند نخواهند توانست بیارند، هر چند که یک دگر را پشتیبان باشند .

۸۹- وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا الْكٰفِرُونَ . ما بیان کردیم در این قرآن از هر گونه مثلی ، پس بیشتر مردم سر باز زدند و بر کفر خود افزودند !

۹۰- وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا مِثْلَ الْبُرُوجِ . ما به تونگرویم جز آنکه برای ما از زمین چشمه ای بپوشانی او در مکه آب زیاد بگشائی !

۹۱- أَوَلَيْكُم مِّنْ جَنَّةٍ مِّنْ نَّجْوَىٰ وَعَيْنِبٍ فَتَتَجَرَّأُونَ أَلَّا تَنْهَارُوا خِلَالَ السَّمَاوَاتِ جِجِرًا . یا آنکه خرمستان وانگورستان داشته باشی که جوی های آب از میان آنها روان باشد !

۹۲- أَوَلَيْسَ السَّمَاءُ كَمَا زَعَمْتُمْ عَلَيْنَا كَيْسًا أَمْ أَوْتَأْتِي بِلِلِّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلاً . یا فروافکنی بر ما از آسمان چنانکه گفتی پاره ای (که نشان رستاخیز است) یا خدای و فرشتگان را روی ما آری !

۹۳- أَوَلَيْكُم مِّنْ بَيْتٍ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقٍ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحٰنَ رَبِّيَ هَبْلٌ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا . یا تو را خانه ای باشد ز بورداروزین ، یا به آسمان برشوی ، و به تونگرویم (هر چند به آسمان بر روی) جز آنکه برای ما کتابی آوری که آنرا بخوانیم ! بگو (ای محمد) باک و بی عیب است خدای من ، که من جز فرستاده ای بیش نیستم !

۹۴- وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا . باز نداشت مردم را از اینکه ایمان آورند هنگامیکه پیغام به آنها رسید ، جز آنکه گفتند : آیا خداوند مردی همچون ما را به پیامبری برمی گزیند ؟

۹۵- قُلْ لَوْ كَانِ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمشُونَ مُتَمَشِّتِينَ لَنَزَلْنَا عَلَيْهِمُ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا . بگو (ای محمد) به آنها اگر در زمین فرشتگان آرمیده می رفتند و شهری از آنها برقرار ، ما هم بر آنها از آسمان فرشته ای رسول قرار میدادیم و فرومی فرستادیم (ما شما آدمیان هستیم) .

۹۶- قُلْ كَفَىٰ بِإِلَٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا . بگو : خداوند به گواهی میان من و شما بسنده است ، چه که او به بندگانش دانا و بینا است .

۹۷- وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضَلِّ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِلًّا وُجُوهُهُمْ عَمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَاوَيْتُمْ بِهِمْ نَجْوَاهُمْ كَلَّمَا خَبَبْتَ زِدْنَا لَهُمْ سَعِيرًا . هر که خدا راه نماید آن کس بر راه راست است و هر که گمراه کرد ، برای آنها یارانی نیابی و ما آنها را روز رستاخیز کور و گنگ و کور برمی انگیزیم و جایگاه آنها دوزخ است و هر گاه که آتش آنها را فرومی برسد ما آتش آنها را افزایش می دهیم .

۹۸- ذٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا نَهَوْا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَسَمِعُونَ وَنَحْنُ عَمُونَ . این پاداش اینان است که به پیغامهای ما کافر شدند و گفتند آیا وقتی که ما استخوان و خاک خرد هستیم ، ما دوباره به آفرینش تازه برخوایم انگیزیم ؟

۹۹- أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجْسَالًا لَا رِيبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا الْكٰفِرُونَ . آیا نمی بینند خدای که آسمانها و زمین را آفرید توانا است بر آنکه مانند آنها را بیافریند و برای آنها مدتی (آجلی) که هیچ شکست در آن نباشد قرار دهد ؟ پس کافران و ستم کاران (بجای آگاهی) بر کفر خود افزودند .

۱۰۰- قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا. بگو اگر شما دارای خزانه های پروردگار من بودید از بیم درویشی و ننداری دستها را فرومی بستید که آدمی خسیس و بخیل است!

تفسیر ادبی و عرفانی

۷۹- وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحْتَ بِهَا نَفْسًا لَكَّتْ. آیه. نوشته اند که هنگام سحر درهای آسمانها بگشایند و مقربان به درگاه خداوند آیند و تسبیح و تهلیل و تکبیر گویند و نغمات ذکر ایشان عالم قدس را بگیرد و اندرین ساعت است که خداوند هر حاجتی از او خواسته شود اجابت می کند. وقت انتشار برکات بر زمین است و آنگاه که نسیم سحر از مطیع خویش عاشق وار نفس سرد برآرد آن ساعت درهای بهشت باز شود و آن باد سحرگاهی با آن لطافت و راحت و لذت از جانب بهشت عدن روان باشد.

از داود پیغمبر پرسیدند: کدام وقت شب فضیلت بیشتر دارد؟ گفت: ندانم لیکن دانم که وقت سحر عرش مجید به جنبش درآید...؟

پس خوشحال کسانی که به وقت سحر استغفار کنند و شراب مهر به جام عشق در آن وقت بنوشند که خداوند فرموده: محبوب ترین مردم نزد من کسانی هستند که هنگام سحر از من آمرزش خواهند.

عارفی بزرگ گوید: اول شب منادی ندا کند که پرستندگان خدا برخیزید و عبادت کنید. نیمه شب ندا کند ای مطیعان برخیزید و خدا را یاد کنید، و هنگام سحر ندا کند: آمرزش خواهان بجایند که استغفار کنند؟

محمد مصطفی را فرمان آمد که ای محمد: مقام شفاعت در قیامت مقامی بزرگوار و مقامی محمود، و تو را مسلم است و راهش این است که به شب برخیزی و نماز کنی، ای محمد، اگر خوشنودی ما خواهی روز را به رسالت بگذران و اگر مقام محمود خواهی شب را به عبادت گذران و نماز شب کن.

پیر طریقت گفت: خدایا، بهر صفت که هستم برخواست تو موقوف، به هر نام که مرا خوانند به بندگی تو معروفم، تا جان دارم رخت از این کوی برندارم، هر کس که توان اویی بهشت او را بنده است، و آن کس که تو در زندگانی او هستی، زنده جاوید است. خداوند، گفتار تو راحت دل است و دیدار تو زندگی جان، زبان به یاد تو نازد، و دل به مهر و جان به عیان.

۸۰- وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ آیه. در معنی این آیت نوشته اند چون مصطفی را اجل نزدیک آمد، او را گفتند ای مهتر عالمیان، بساط اسلام در جهان گسترده شد، و خورشید نبوت در همه جا تافته شد، فریضه وسنت آموختی، یتیمان را پدری کردی، مهجوران را شفیع بودی، مریدان را دلیل بودی، مردم را تر بیت دادی، جن و انس را خوانندی، کنون وقت آنست که سفر مبارک پیش گیری و گوشوار مرگ در گوش بندگی کنی و سر ببالین فناهی که مادر ازل حکم کرده ایم که تومی میری و همگی بمیرند و آنچه بر روی زمین است فانی خواهد شد.

آخرین وداع مصطفی: در خبر است که مصطفی در آن بیماری باز پسین علی (ع) را بخواند و گفت: یا علی مرا یاری ده تا به مسجد بازروم و یاران را وداع کنم، حضرتش بیاری علی به مسجد آمد و بر منبر بالا رفت و باد و چشم گریان و دل سوزان، روی به یاران کرد و گفت: من برای شما چگونه یاری بودم؟ چگونه رسولی بودم؟ اکنون مرا نوبت رفتن آمده و برید مرگ در رسیده، در آن دم غریبی وزاری در مسجد افتاد، یاران همه دلنگ ورنجور، گریان و خروشان، همگی گفتند: نیکو یاری بودی و نیکو رسولی بودی که بما آمدی، رسول آنگاه با همه وداع کرد و بخانه باز آمد، بسی بر نیامد که برید حضرت رسید و نسیم قربت دمید، پرده ها برگرفتند و طوبی و قرنی را با او نمودند، آنگاه فرمود: بار خدا با ما از دنیا در لباس سعادت و راستی بیرون بر و ما به مرگ راستی میران و به درگاه راستی فرود آر، و روز رستاخیز از گور به راستی بیرون آر.

۸۱- وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ. آیه. چهره کائنات بتاریکی نادانی و تیرگی شرک پوشیده بود که ناگاه رایت دولت محمد از مرکز مکه سر برآورد و نور دین از خانه آمنه پیدا شد و شادی و خرمی در جهان افتاد، هر جانا مداری بود خوار گشت و هر جانا جاداری بود تا جش بتاراج بداد، هر کجا جباری بود از تخت به زیر آمد، هر جابئی بود در قعر چاه نیستی افتاد، قاعده قصر قصر و طاق کاخ کسری خراب گشت و از چهار گوشه جهان آواز برآمد که: حق آمد و باطل تباه شد! و بگفته شاعر:

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفا
نیست دار الملک جز ز خسار و زلف مصطفی
۸۲- وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُوشِيفَاءٌ وَرَحْمَةً. آیه. در قرآن داروی درد نادانی برای دانشمندان است، داروی درد شک و تردید برای گروندگان است، درمان درد منکر و غفلت برای عارفان است و درمان درد ناامیدی برای مریدان است، و درمان درد شوق برای دوستان است.

۸۴- قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ. آیه. از آدمی جز از جفا چه آید؟ و از آب و گل جز از خطا چه روید و از کرم خداوند جز از وفا چه زاید. که در همه قرآن آیتی از این آیت امیدوار کننده ترین است می گوید: هر کس آن کند که از او آید و از هر کس آن آید که سزاوار و شایسته آنست. بنده بسوی گناه می رود و خداوند به سوی آمرزش او و خداوند خطاب به بندگان گوید: ای بندگان من، شما به جانب گناه بری گردید و من به جانب آمرزش! (۱)

خداوند ابلیس لعین را فرمود: آدم را بجهنم کن، گفت نکند که آدم از خاک است و من از آتش افرمود: ای بد بخت ناچار هر کس آن کند که سزای او است و از هر کس آن آید که در او است، آتش چون فرو می رود و خاکستر شود و هرگز نوزگردد و خاک اگر چه کهنه شود چون آب بر آن ریزند تازه شود، ای ابلیس، تو که از آتشی، بیک فرمان که بگذاشتی مردی که هرگز زنده نشوی و ای آدم تو که از خاکی هر چند گناه کردی به یک قطره آب حسرت و ندامت که از دیده فروباری گناهانت پیام رزم و بنوازم. ای ابلیس، از آتش آن آید که کردی و ای آدم از خاک آن آید که دیدی که: كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ. (۱)

۸۵- وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ. آیه. آدمی هم تن است و هم دل و هم روح، تن جای امانت است، دل بازگاه خطاب است، و روح نقطه گاه مشاهدت است هر چه نعمت است نثار تن باشد، که طعام و شراب غذای او است، هر چه منت است تحفه دل است و غذای او یاد دوست، و آنچه رؤیت و مشاهدت است، نصیب روح آمد و غذای وی دیدار دوست. تن در قهر قدرت است و دل در قبضه صفت و روح در کف عزت ايساط افس گسترده، شمع عطوفت افرخته و دوست ازلی پرده برگرفته این است روح و کار او و سرانجام او!

تفسیر لفظی

۱۰۱- وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَمَا اسْتَمِعَ إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا. ماه موسی راننه نشانه و پیغام روشن دادیم، پس از بنی اسرائیل پرس، وقتی که موسی بر آنها آمد فرعون به او گفت: ای موسی گمان می کنم با تو جادویی کرده اند! و تو جادو زده شده ای!

۱۰۲- قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَافِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا. موسی به فرعون گفت: تو نیک دانی که این پیغامها را فرستاده جز خدا ای آسمانها و زمین، پیغامهای روشن و هویدا و من پندارم که تو را تباهی و نیستی داده اند.

۱۰۳- فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ بِهِمْ مِنْ أَلَا رَضٍ فَأَعْرَفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا. فرعون خواست که آنها را (بنی اسرائیل) از زمین مصر براند، پس ما او را و هر کس که با او بود بیک بار غرق کردیم.

(۱) این آیه بهترین و صریحترین دلیل بر آزادی و اختیار بندگان خداست.

۱۰۴ - وَقُلْنَا مَنْ بَعْدَهُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَغِيفَةً
پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم: اکنون در زمین مصر بنشینید، چون هنگام رستاخیز آید شمارا با ایشان بهم آوریم.

۱۰۵ - وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا. مَا لِيْنَ بَعْضِ رَاہِ رَاسِئِیْ فَرَسْتَادِیْمِ
و به راستی فرود آمد و ما فرستادیم (ای محمد) تو را مگر شادی رسان و بیم نمای.

۱۰۶ - وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكُوثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا. وَقُرْآنًا رَاہِ رَاہِ كُنْدَه (و آیه آیه
و سوره سوره) آوردیم تا بر مردمان باد رنگی بخوانی و آنرا فرود فرستادیم فرستادنی (به سبزه).

۱۰۷ - قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِسُلْطَانِ
مُجِدًّا. بگو ای محمد، شما (ای مشرکان) ایمان آورید یا نیاورید، همانا کسانی که از پیش از آمدن به قرآن، دارای علم شدند چون
خوانند بر روی به سجود می افتند.

۱۰۸ - وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا. وَیْ گویند: پاك و بی عیب است خداوند ما،
بر آنها قرآن نیست وعده های پروردگار ما مگر بودنی و شنیدنی.

۱۰۹ - وَيَخِرُّونَ لِسُلْطَانِ ذِقَانِ يَتَكَبَّرُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا. و بر روی می افتند گریه کنان و ایشانرا خشوع و نرم دلی
می افزاید. (سوره سوره)

۱۱۰ - قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ
وَلَا تُخَافُوا بِهَا وَأَبْتَعْ بَيْنَ ذَلِكُمْ سَبِيلًا. بگو (ای محمد) شما الله را بخوانید یا رحمن را، هر کدام بخوانید خداوند را
نامهای نیکو است و نماز و دعا، نه همه را به بانیک بلند و نه همه نهان بخوان بلکه میان آن دو، یک راه میانه بگیر.

۱۱۱ - وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ
مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبْرَهُ تُكْتَبِرُونَ. بگو ستایش خدائی راست که فرزند نگرفت و در پادشاهی او را نیاور باشد، و او راستی نیست که یاری
بخوهد و تو او را به بزرگی بستای.

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۰۱ - وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ. آیه. موسی را به پیغمبری اسرائیلیان با نشانههای نه گانه روشن چون عصا و
بیضاء فرستادیم و مصطفی را به پیغمبری همه جن و انس با معجزه قرآن کلام رحمن، نامه خداوند جهان فرستادیم. و این قرآن
تا به قیامت بماند، از آنکه پیغمبری او پیوسته تا به رستاخیز بماند.

خداوند فرمود: موسی را معجزه ای دادم که دست دشمنان به وی رسید و مصطفی را معجزه ای دادم که دست دشمن هرگز
به وی نرسید، چندین سال گذشت تا هزاران دشمنان از زندیقان و بی دینان کوشیدند تا در قرآن طعنی زنند و نقصی آرند، نتوانستند، و همه
رفتند و قرآن بی عیب و نقصان بماند. که: بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ.

۱۰۶ - وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ. آیه. قرآن یکبار از آسمان فرود نیامد بلکه آیه آیه و سوره سوره به مدت
بیست سال به تدریج نازل شد، و این جدائی و فاصله و تفریق از آن سبب بود تا یاد گرفتن و یاد داشتن آن بر مصطفی و بر امت آسان باشد
و بردهاشان استوار و محکم نشیند و جای گیرد، و نیز تا شرف و کرامت مصطفی در آن پیدا شود که پیوسته از حضرت عزت به وی نامه و پیغام
میرسد، و تا بنده ای بزرگوار و شریف نباشد او را این مزیت ندهند که پیوسته خداوند او را به بخوان خود می نوازد.

۱۰۷ - قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا. آیه. از آستان جلال احدیت اشاره به استغنائی رب عزت از دریاست

طاعت بندگان است، می گوید: ما را هیچ در بایست نیست خواه ایمان آورید و خواه نه! ما را به ایمان شما حاجت نه، هنوز رقم وجود بر هیچ موجود نکشیده بودیم که جمال ما شاهد جلال ما بود، خود بخود خود را بسنده بودیم، امروز هم که خالق را بیا فریدیم همانیم که بودیم، بی نیاز به خود پیش از سبب، و بی نیاز بر کمال پیش از طلب!

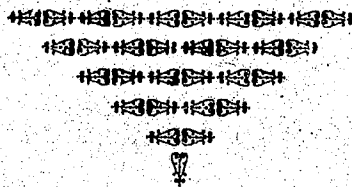
۱۰۹- وَيَخِرُّونَ لِسُلْطَانِ بَيْبِكَوْنٍ آیه. گریستن حال مبتدیان است و صفت روندگان، هر کسی بر حسب حال خود و هر رونده ای به اندازه کردار خود گرید، چنانکه توبه کار، در گناه خود می نیگردد و از بیم کیفر می گرید، طاعت کار در طاعت خود با فقرت و سستی خود می نیگردد از بیم تقصیر و کوتاهی می گرید، عبادت کار از بیم خاتمت می گرید که آیا با من فردا چه کنند؟ و عرفان کار در ساقیه آزل می نیگردد دومی گوید: که آیا در آزل بر من چهرانند و چه قضا کردند؟ این همه بر راه روندگان است و برضعف حال ایشان نشان! اما روندگان از خویشتن و اهل تمکین را گریه نقص باشد!

لطیفه: گویند: شیخ جنید روزی با زن خود در خانه نشسته بود که شبلی وارد شد زن خواست خود را از او بپوشد جنید گفت: شبلی را از تو آگاهی نیست بنشین! و پیوسته آن دو با هم سخن گفتند تا شبلی آغاز گریستن کرد، همان دم جنید زن را گفت: خود را بپوشان که شبلی به هوش آمد! و از نا آگاهی بیرون شد!

۱۱۰- قُلْ اَدْعُوا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ آیه. ای سید کونین وای مهتر خافقین با مشتاقان و صدیقان ما بگوی که همه ما را باشید، همه ما را خوانید، همه ما را دانید، به عالمان بگوی که اسرار علم قدام ما راست نه شمارا! که: اَلْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ وَ جِبَارَانِ را بگوی که جبار آسمانها و زمین ما ئیم و پادشاهی و سلطنت داری ما سزا است نه خلق را! با خواجگان و مهتران بگوی که به کرم جلال ما است که شمارا از شب و چور رستگاری می دهیم و در روز نگاه می داریم! با عارفان بگوی ما از بهر مؤانست شما چنین نامه و خلعتی فرستادیم، و ستمگران و ناپاکان را بگوی راه داد پیش گیرید چنانکه ما با شما به عدل کار کردیم و با گناه کاران امت بگوی بردرگاه ما باشید و اگر باندازه آسمانها و زمین گناه داشته باشید، دل از امید فضل ما بر ندارد! که فردای رستاخیز با همه خلائق به عدل و داد رفتار کنیم و با گدایان امت محمد به فضل و رحمت! ای محمد: بردوستان ما ثنای ما و ستایش ما و ذکر ما برخوان و ما را به پاکی بستای که روح دل و آرام جان در ذکر ما است.

۱۱۱- وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا آیه. یعنی ای محمد بر نعمت بزرگی که خدا بتو داده شکر کن و آن شناسائی تو است باینکه ما را فرزند نیست، و سپاس گزار باش که ما را نه فرزند نه انباز نه یار از ناتوانی نیست بلکه ما یار همه یارانیم که به پرستش خود نزد ما عزیز هستند.

پایان جلد نخست



این غلطها را تصحیح فرمائید :

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۴	اول (حاشیه)	پسرش پریش	پسر عموی	۳۲۰	۲۸	نجونی	نجونی
۵۴	۲۰	تشنه	نشسته	۳۳۷	۳	بیارید	بیارامد
۵۶	۲۰	تُفَرِّقُ	تُفَرِّقُ	۳۷۲	۲۸	ضعف رُبُوبیت	ضعف رُبُوبیت
۶۲	۲۵	دریاوی	دریادی	۳۸۴	آخر	این کافران	ای کافران
۱۴۵	۱	خود	خورد	۳۹۶	۲۶	تاتو	تاباتو
۱۸۵	۱۹	رحم	رحم	۴۴۳	۴	پسران	پیران
۱۸۶	۵	خداوندان	خداوندان	۵۰۵	۱۲	حذف	هدف
فهرست سوره (مائده)	عدد ۳۷	عدد ۲۷		۵۱۲	۲۵	گناه	گواه
۲۴۸	۲۵	عارفان	غارفان	۵۴۴	آخر	نبارد	بنارد
۲۵۳	۴	باد	بار				